

Functions of social networks in users' psychological capital

Elahe kakavand

Ali delavar

Afsane mozafari

Nassim majidi

Abstract

New social networks as an emerging field have affected all human relations. One of them is the definition of different human capitals. One of the new definitions of capital is the subject of psychological capital. Psychological capital is one of the indicators of positive psychology, which is characterized by characteristics such as belief in one's ability to achieve success, perseverance in pursuing goals, creating positive self-image and enduring problems, and empowers people. In addition to better coping with stressful situations, they are less stressed and have more power against problems and are less affected by daily events. Therefore, this study was conducted to study the role of social networks in psychological capital. This research is a quantitative research. Its orientation is developmental and practical. The strategy of this research is descriptive and by combining several standard questionnaires, it intends to survey among Telegram users in Tehran as a statistical population. According to Cochran's formula, 384 questionnaires were received for an unlimited community. The results showed that economic function, network communication and self-expression have a significant effect on the psychological capital of Telegram users, while the political function of social networks has a significant negative effect on the psychological capital of Telegram users.

Keyword:"Social Networks","Telegram","Psychological capital"

کارکردهای شبکه های اجتماعی در سرمایه روان شناختی کاربران

الهه کاکاوند

کارشناسی ارشد

علی دلاور

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

افسانه مظفری

دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات

نسیم مجیدی

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

چکیده

شبکه های اجتماعی نوین به عنوان عرصه ای نوظهور تمام مناسبات بشری را تحت تاثیر قرار داده اند. از جمله می توان به تعریف از سرمایه های مختلف انسانی اشاره کرد. از جمله باز تعریف جدیدی که از سرمایه صورت گرفته است مبحث سرمایه روانشناختی می باشد. سرمایه روانشناختی یکی از شاخص های روان شناسی مثبت گرا می باشد که با ویژگی هایی از قبیل باور فرد به توانایی هایش برای دستیابی به موفقیت، داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف، ایجاد اسنادهای مثبت درباره خود و تحمل مشکلات می باشد و افراد را قادری می سازد تا علاوه بر مقابله بهتر در برابر موقعیت های استرس زا، کمتر دچار تنش شده و در برابر مشکلات از توان بالایی برخوردار باشند و کمتر تحت تاثیر وقایع روزانه قرار بگیرند. لذا این پژوهش با هدف مطالعه نقش شبکه های اجتماعی در سرمایه روانشناختی، صورت گرفته است. این پژوهش از نوع تحقیقات کمی است. جهت گیری اش توسعه ای و کاربردی است. استراتژی این تحقیق توصیفی است و از تلفیق چند پرسشنامه استاندارد قصد پیمایش در میان کاربران تلگرام در شهر تهران به عنوان جامعه آماری را دارد که بر حسب فرمول کوکران برای جامعه نامحدود ۳۸۴ پرسشنامه دریافت شد. نتایج نشان داد کارکرد اقتصادی، ارتباط شبکه ای و خوداظهاری بر سرمایه روانشناختی کاربران تلگرام اثر معناداری دارد در حالی که کارکرد سیاسی شبکه های اجتماعی بر سرمایه روانشناختی کاربران تلگرام اثر منفی معناداری دارد.

واژه های کلیدی: شبکه های اجتماعی، تلگرام، سرمایه روانشناختی

مقدمه

در طی چند دهه اخیر در مباحث علوم انسانی و به ویژه مبحث سرمایه، علاوه بر سرمایه های انسانی، فیزیکی و... که از آنها به عنوان دیدگاه های سنتی تعبیر می شود، تعاریف نوینی از سرمایه صورت گرفته است که در آرای اندیشمندان قابل ملاحظه است. از جمله باز تعاریف جدیدی که از سرمایه صورت گرفته است مبحث سرمایه روانشناختی می باشد. سرمایه روانشناختی یکی از شاخص های روان شناسی مثبت گرا می باشد که با ویژگی هایی از قبیل باور فرد به توانایی هایش برای دستیابی به موفقیت، داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف، ایجاد اسنادهای مثبت درباره خود و تحمل مشکلات می باشد و افراد را قادری می سازد تا علاوه بر مقابله بهتر در برابر موقعیت های استرس زا، کمتر دچار تنش شده و در برابر مشکلات از توان بالایی برخوردار باشند و کمتر تحت تاثیر وقایع روزانه قرار بگیرند (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۱۰۴). مطالعه روند رشد و توسعه کشورها بیانگر این واقعیت است که سایر سرمایه ها در کنار توجه به سرمایه روانشناختی در رشد و توسعه یک جامعه کارایی لازم را ایفا می کند.

از طرفی امروزه مباحث و عرصه های جدیدی در زندگی اجتماعی بشر باز شده است که از یک سو مفاهیمی چون سرمایه روان شناختی در آنان نیز کمتر مورد توجه بوده و از سویی امکان دسترسی بیشتر به اطلاعات و فرصت هایی را می دهد که در غیر این صورت به دسترسی به آن امکان پذیر نبوده است. امروزه جامعه با رشد روزافزون استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی شاهد تغییر در بسیاری از قوانین و عرف های سنتی خود به خصوص در نسل جوان است. گسترش زندگی ماشینی، افزایش فاصله و محدودیت های اجتماعی، از بین رفتن محدودیت هایی که توسط خانواده ها در ارتباطات فرزندان خود دارند، ارتباط دائمی با دوستان، یافتن دوست در هر نقطه ای جهان و ... سبب شده تا در کنار آسیب های اجتماعی حاصل از اینترنت، مورد اقبال قرار بگیرد (آذری و امیدوار، ۱۳۹۱؛ ۲). با این وجود از آنجا که هر تغییری با مقاومت روبرو است لذا منتقدان گذار از مرحله سنت گرایی به واسطه اینترنت بر روی آسیب های اجتماعی و ارتباطی آن تمرکز کرده اند. رسانه های نوین، جوامع انسانی را به لحاظ کیفیت ارتباطات انسانی متحوا کرده است (شاوردی، ۱۳۹۶؛ ۶۹). این گروه افراد معتقدند که اینترنت به دلیل برقراری ارتباط غیرحضوری و ناشناس بودن، سبب شده تا مفاهیمی از قبیل هویت، سرمایه روانشناختی، اعتماد و ... از بین برود. این در حالی است که بعضی دیگر از نظریه پردازان و جامعه شناسان معتقدند که با توجه به تغییر بنیادین ارتباطات در بستر اینترنت، مفاهیم مذکور از بین نرفته اند بلکه شکل دیگری به خود گرفته اند (گروتک و همکاران، ۲۰۱۸؛ ۲). عدم درک و پذیرش این ادعا سبب شده تا امروزه در کشور ما به اینترنت بیشتر به عنوان یک

بستر ضد اجتماعی، غیر اخلاقی و فساد آلود نگریسته شود که قصد دارد تا کیان خانواده ها را نابود کند لذا بیشتر به کمک فیلترینگ و قوانین سلبی سعی می شود تا با ایجاد محدودیت در استفاده از آن، با آن مقابله کنند. با این وجود باید توجه داشت رشد شبکه های اجتماعی مجازی همچون شبکه اجتماعی واقعی تبعاتی را به دنبال دارد که اجتناب ناپذیر است همین امر سبب شده تا در جامعه ایران به جای بهره برداری از مزایای آن که می تواند به کمک آموزش و فرهنگ سازی رخ دهد، آسیب های آن تبلور پیدا کند (شاوردی، ۱۳۹۶؛ ۷۰).

همانطور که ذکر شد تناقض در مباحثی چون سرمایه روانشناختی در بستر فضای مجازی به شدت مشهود است و از طرفی دید منفی نیز غلبه بیشتری دارد. حال آنکه فضای مجازی و شبکه های اجتماعی می توانند وسیله مناسبی برای تعمیق و کاربرد سرمایه روانشناختی در میان کاربران باشند. با توجه به تناقض پژوهش های صورت گرفته در آن نشان داده شده که سرمایه های روانشناختی در شبکه های اجتماعی پایین است و یا پژوهش هایی که مدعی اند که اینترنت و شبکه های اجتماعی سبب تضعیف آن شده است، لذا محقق لزوم توجه بر روی نشانگان سرمایه روانشناختی مربوط به شبکه های اجتماعی امری مهم و ضروری می داند چرا که نشناختن صحیح معیارهای سنجش سرمایه روانشناختی، سبب شده تا اولاً برای بسیاری این امر متشبه شود که اینترنت و شبکه های اجتماعی سبب از بین رفتن و یا کاهش این سرمایه ها می شود. ثانياً راه های بهبود و ارتقای این سرمایه ها از طریق شبکه های اجتماعی غیرقابل شناسایی می شوند. در این پژوهش سرمایه روانشناختی، سازه ای ترکیبی و به هم پیوسته شامل چهار مولفه ادراکی - شناختی یعنی امید، خوش بینی، خود کارآمدی و تاب آوری تعریف می شود که در یک فرایند تعاملی و ارزشیابانه به زندگی فرد معنا می دهد. با توجه به آنچه گفته شد در این تحقیق، پژوهشگر قصد دارد تا معلوم کند شبکه های اجتماعی چه کارکردی در ارتقای سرمایه روانشناختی دارد؟

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

محقق کارکردهای اجتماعی شبکه های مجازی در چهار دسته طبقه بندی نموده است که در این پژوهش مورد توجه می باشد:

کارکرد اقتصادی: امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یکی از بسترهای نوین به سرعت در حال تاثیر گذاری بر زندگی بشر است. این تاثیر در همه وجوه اجتماعی دیده می شود. از آن جمله تاثیر شدید فناوری اطلاعات بر اقتصاد است. در اقتصاد جدید که مبتنی بر شبکه های رایانه ای است محیط کسب و کار در حال تبدیل به محیطی دیجیتالی است. چنین اقتصادی را با عناوینی همچون اقتصاد شبکه ای

یا اقتصاد دیجیتال نیز نامیده اند. اقتصاد دیجیتال که تحت عنوان اقتصاد اینترنتی، اقتصاد نوین یا اقتصاد مبتنی بر شبکه نیز نامیده می شود به اقتصادی اطلاق می گردد که قسمت اعظم آن بر پایه فناوری های دیجیتال شامل شبکه های ارتباطی، رایانه ها، نرم افزارها و سایر فناوری های اطلاعاتی است. چالش افزایش حجم اطلاعات از یک سو و مقوله افزایش سرعت پردازش اطلاعات از سوی دیگر به علاوه افزایش تعداد کاربران و سرعت بالای دسترسی آنها به اطلاعات در سرتاسر جهان شرایط را در دنیای وب به سمتی پیش برد که دیگر شرکت ها به تنهایی قادر به تامین حجم بسیار زیاد اطلاعات کارآمد و مورد نیاز برای میلیون ها کاربر با زبان ها، فرهنگ ها و دیدگاه های مختلف نبودند و به همین خاطر اندک اندک فناوری های وب رویکرد شرکت محوری را تغییر دادند و راهبرد کاربر محوری را در پیش گرفتند. در این رویکرد تمامی شرایط و بسترها برای راحتی کاربران فراهم شد تا زمینه تعامل و حضور فعال آنها را در خلق و انتشار محتوا فراهم آورد و اینگونه شد که ظرف مدت کوتاهی وب ماهیت جدیدی به خود گرفت و توانست جریان دو طرفه ای را برای ارتباط مداوم بین شرکت ها و کاربران فراهم آورد. در این تعریف و نگرش جدید از وب، این کاربران هستند که با شعار اشتراک اطلاعات می توانند مطالب مورد نظر خود را بخوانند، ویرایش کنند، به سایر دوستان معرفی کنند؛ این رویداد و پدیده جدید وب ۲ نام گرفت. در سال های اخیر مفهوم وب اجتماعی (وب ۲) در حال ساختن راه جدیدی برای بازاریابی است که مردم را به سوی یک گفتمان آنلاین هدایت می کند. این روزها بیشترین نوع تبلیغات قابل اعتماد برای مردم توصیه هایی است که از سوی افراد دیگر برای خرید کالاها ارایه می شود (محمد پور و تاجیک، ۱۳۹۳؛ ۵۲).

کارکرد ارتباط شبکه ای: شبکه های اجتماعی جهت یافتن دوستان قدیمی و حفظ ارتباط، یافتن دوستان جدید و برقراری ارتباط و بحث و مبادله نظر بستری فراهم می کند که این ارتباط، محیط را بسیار جذاب می کند، تمایل به عرضه نظر خود در فضایی عمومی و به دور از دغدغه و شنیدن نظرات دیگران در آرامش و همچنین، تمایل به تأیید شدن یا تأیید گرفتن از جذابیت هایی است که این شبکه ها را برای کاربران جذاب می کند. هابرماس تغییر حوزه عمومی را در اطلاق به عرصه ای اجتماعی به کار می برد که در آن افراد از طریق مفاهیم و استدلال مبتنی بر تعقل و در شرایطی عاری از هرگونه فشار، زور و در شرایط برابر برای تمام طرف های مشارکت کننده، مجموعه ای از رفتارها، مواضع و جهت گیری های ارزشی و هنجاری را تولید می کند. حوزه عمومی بخشی از آن فضایی است که خارج از حوزه نفوذ دولت، اقتصاد و کلیسا قرار دارد. حوزه عمومی را باید میدانی غیر وابسته به دولت بدانیم (حتی اگر بر اساس بودجه دولتی پدیدار شده باشد) که اطلاعات در هسته آن قرار دارد و هر یک از بازیگران در حالی که دیدگاه هایش در

دسترسی همگان قرار دارد، مواضع خود را با گفتگوی بی پرده، آشکار می کند. هابرماس اساس زندگی اجتماعی را ارتباط می داند، بر این اساس، حوزه عمومی شبکه ای برای تبادل اطلاعات و دیدگاه ها بین شهروندان است. در حوزه عمومی، جریان های ارتباطی شکل می گیرند، و نظریات افراد غربال و ترکیب می شوند، به گونه ای که در نهایت منجر به شکل گیری مجموعه ای از دیدگاه ها و نظریات مشترک می شود (هابرماس، ۲۰۰۴؛ ۵۹). در مورد شبکه سازی، این به تلاش شخص برای توسعه و نگهداری شبکه های اجتماعی خود اشاره دارد، همانطور که از طریق ویژگی های کمی (میزان اتصالات)، ماهیت شبکه ها (که به هم متصل هستند)، فعالیت های شبکه نشان داده شده است (شن و خلیفه، ۲۰۱۰؛ ۱۷۷).

کارکرد سیاسی: شبکه های اجتماعی و فضای سایبری به طور عموم از دغدغه های مهم کشورهاست که در موارد زیادی امنیت ملی را نشانه می روند. یکی از غامض ترین وجوه تحلیلی شبکه های اجتماعی ارتباط دولت ها با این شبکه هاست. این موضوع در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته متفاوت است. در کشورهای صنعتی توسعه یافته سیاستمداران درصدد بهره برداری از بستر شبکه ها برای گسترش نفوذ خود در اقصای نقاط دنیا هستند و در مقابل کشورهای توسعه نیافته که قاطبه مشکلات آنها داخلی و مرتبط با حاکمیت و مشکلات سیاسی اقتصادی و اجتماعی است، درصدد فاصله گرفتن مردم کشور خود از این شبکه ها و نسبت به عملکرد آنها مضمون و مشکوک می باشند. از آنجایی که در شبکه های اجتماعی از یک سو مردمی هستند که با ارتباطات فراملی خود را از حاکمیت مطلق دولت های ملی خارج کرده اند و از سوی دیگر دولت هایی می باشند که حاضر به تضعیف اقتدار خود نیستند، لذا در این چرخه رابطه جدیدی شکل می گیرد. در این خصوص دولت ها تلاش می کنند که با بهره گیری از فضای سایبری علاوه بر مدیریت شبکه ها، بهره گیری اطلاعاتی بنمایند. در این خصوص می توان رابطه مردم و دولت و تاثیر شبکه های اجتماعی مجازی بر سیاست و کارکرد سیاسی شبکه های اجتماعی مجازی را در قالب گزاره های زیر تبیین نمود. بهره برداری های سیاسی از شبکه ها توسط دولت ها، بهره گیری سیاسی از شبکه توسط مردم، کارکرد سیاست در فضای توزیع شبکه ها (عباسی و شریعت، ۱۳۹۷؛ ۱۳۳-۱۳۴).

کارکرد خود اظهاری: ارائه خود به تلاش شخص برای بیان تصویر و هویت خاص به دیگران اشاره دارد. کاربران ممکن است در ارائه خود استراتژی های مختلفی را دنبال کنند، به عنوان مثال، ارائه معتبر خود یا ارائه فریبکارانه. با استفاده از ویژگی های مختلف شبکه های اجتماعی، کاربران ممکن است سطح افشای اطلاعات هویتی خود را اعم از نام یا معرفی کامل تغییر دهند و همچنین کنترل دسترسی (از باز و عمومی بودن تا کاملاً خصوصی) اعمال کنند (شن و خلیفه، ۲۰۱۰؛ ۱۷۷).

با روشن شدن کارکردهای متصور برای شبکه های اجتماعی آنلاین، به مبحث سرمایه روانشناختی پرداخته می شود که در این پژوهش سرمایه روانشناختی، سازه ای ترکیبی و به هم پیوسته شامل چهار مولفه ادراکی- شناختی یعنی امید، خوش بینی، خود کارآمدی و تاب آوری تعریف می شود که در یک فرایند تعاملی و ارزشیابانه به زندگی فرد معنا می دهد (بیلی و سیندر، ۲۰۰۷؛ ۲۳۳).

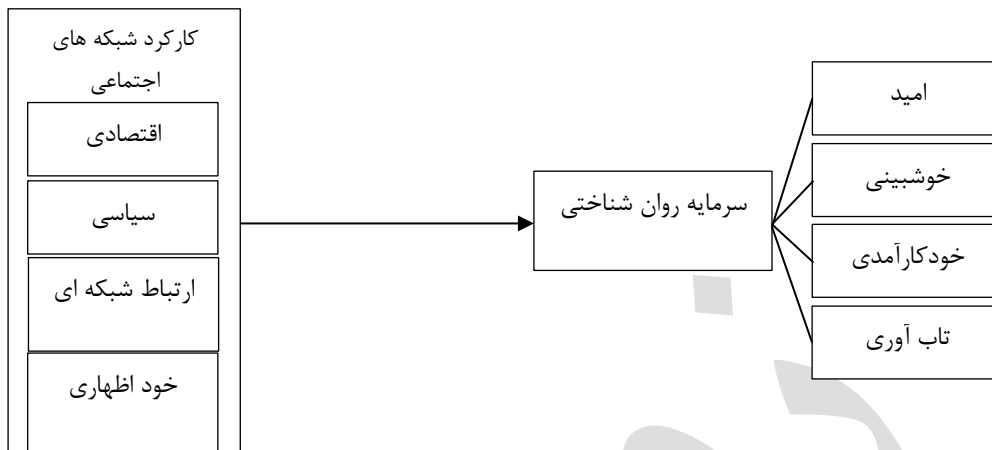
خود کارآمدی: به این صورت تعریف می شود؛ باور یا اطمینان فرد به توانایی هایش برای دستیابی به موفقیت در انجام وظیفه ای معین از راه ایجاد انگیزه در خود، تأمین منابع شناختی برای خود و نیز ایفا و اجرای اقدامات لازم (علیزاده ثانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ۳۲).

خوش بینی: شواهد زیادی در مورد افراد برانگیخته و با انگیزه وجود دارد که نشان می دهد خوش بینی، علاوه بر اینکه قسمتی از ماهیت انسان است، جزء تفاوت های فردی نیز می باشد. در کل خوش بینی در زندگی و محیط کار بسیار مؤثر می باشد. روانشناسان، خوش بینی را به عنوان یک ویژگی شناختی که انتظار خروجی مثبت و یا استناد علی مثبت به رخدادها دارد و یا یک اسناد علی مثبت تعمیم یافته، تلقی می کنند (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۵۴۳).

امیدواری: امیدواری، وضعیتی شناختی یا ذهنی است که افراد را قادر می سازد که اهداف واقعی، اما چالش برانگیز و قابل پیش بینی را بدون سازند و سپس به آن اهداف از طریق اراده معطوف به خود، انرژی و ادراک کنترل درونی شده دست یابند. این چیزی است که از آن به عنوان قدرت اراده یاد می شود. همچنین به معنای خلق راه های جایگزین جهت برون رفت از مشکلات است (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۵۴۴).

تاب آوری: تاب آوری به عنوان جزئی از رفتار سازمانی مثبت به صورت " ظرفیت برگشت به عقل یا رجوع به قبل از بدبختی، تعارض، شکست یا حتی وقایع مثبت، پیشرفت و مسئولیت های افزایش یافته تعریف می شود. ماستن و رید در سال ۲۰۰۲ با توجه به زمینه روانشناختی بالینی، تاب آوری را به عنوان طبقه ای از پدیده ها که با الگویی از انطباق پذیری مثبت در زمینه مشکلات و مخاطرات قابل ملاحظه مشخص شده، تعریف نموده اند. پژوهش های انجام شده حاکی از آن است که برخی افراد تاب آور، پس از رویارویی با موقعیت های دشوار زندگی، دوباره به سطح معمولی عملکرد باز می گردند، حال آنکه عملکرد برخی دیگر از این افراد، پس از رویارویی با ناکامی ها، مصیبت ها و دشواری ها نسبت به گذشته ارتقا پیدا می کند (علیزاده ثانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ۳۳).

در شکل ذیل مدل مفهومی پژوهش بر اساس چارچوب نظری ارائه شده است؛



شکل ۱- مدل تحقیق

شبکه های اجتماعی

شبکه های اجتماعی امروزه به یکی از ارکان جدایی ناپذیر زندگی ما - حداقل در بعد مجازی آن - تبدیل شده اند و تصویر دنیای وب بدون حضور پررنگ این پدیده همه گیر، تقریباً غیرممکن است. طبق تعریف، شبکه های اجتماعی مجازی گونه ای از رسانه های اجتماعی هستند که بیشترین شباهت را به جامعه انسانی داشته و به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار فراوانی از افراد دیگر را فارغ از محدودیت های زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را می دهند. شبکه های اجتماعی مجموعه ای از وبسایت های مبتنی بر فناوری های وب ۲ است که با قابلیت ایجاد شبکه و ارتباطات مجازی تعاملی در فضای مجازی، برسایت های رسمی تأثیر می گذارد (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۲۳۱). از آنجایی که این شبکه ها یکی از بانفوذترین فناوری های جدید ارتباطی هستند همه ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر خود قرار داده اند و به نوعی همه ابعاد حیات فردی و جمعی ما متأثر از این فناوری ارتباطی و سایر فناوری هاست. این شبکه ها مجموعه پیچیده ای از شبکه های کوچکتری هستند که با یکدیگر تبادل اطلاعات دارند و با عضوگیری رایگان از کاربران، توانسته اند در جریان سازی های مختلف نقش اساسی ایفا کنند. ویژگی بارز این شبکه ها، قدرت برقراری نظام شبکه ای میان دوستان و همفکران کاربران به صورت منظم و سامان مند است (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۶؛ ۲۱۰).

سرمایه روانشناختی

یکی از مفاهیم مهم روان شناسی مثبت نگر که در سال های اخیر در حوزه ی رفتار سازمانی مورد توجه جدی قرار گرفته، اخیرا وارد مطالعات آموزش دانشگاهی شده است، مفهوم سرمایه روان شناختی است که یک حالت روان شناختی مثبت و رویکرد واقع گرا و انعطاف پذیر نسبت به زندگی است که از چهار سازه امید، خوش بینی، تاب آوری و خودکارآمدی تشکیل می شود و هر کدام از آنها به عنوان یک ظرفیت روان شناختی مثبت در نظر گرفته می شود، دارای مقیاس اندازه گیری معتبر است، مبتنی بر نظریه و تحقیق است و وابسته به حالت و قابلیت رشد دارد و به طور چشمگیری با پیامدهای عملکردی ارتباط دارد. امید، توانایی شخص برای هدف گذاری، تجسم مسیرهای لازم برای رسیدن به هدف ها و داشتن انگیزه لازم در جهت رسیدن به آن هدف ها است. خوشبینی به اسنادهای علی مثبت اشاره می کند و روشی است که در آن افراد وقایع مثبت و منفی را تبیین می کنند و انتظار نتیجه دارند. تاب آوری، ظرفیت فرد برای پاسخ دادن و حتی شکوفا شدن در شرایط فشارزای مثبت یا منفی است و خودکارآمدی به اطمینانی که افراد به توانایی های خود برای انجام یک تکلیف خاص دارند، اشاره می کند (مجبی نورالدین وند و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۶۲). مؤلفه های سرمایه روانشناختی در یک فرآیند تعاملی و ارزشیابانه، به زندگی فرد معنا بخشیده، تلاش فرد برای تغییر موقعیت های فشارزا را تداوم می بخشد و او را برای ورود به صحنه عمل آماده و مقاومت و سرسختی وی در تحقق اهداف را تضمین می کند (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۸). شواهد موجود نشان می دهد که اجزای سرمایه روانشناختی سازه های بسیار مهم برای بهبود عملکرد فردی، اثربخشی و همچنین تقویت، افزایش سطح نگرش حرفه ای و ارتقای مهارت های کارکنان در محیط کار می شود (آوی و همکاران، ۲۰۱۱؛ ۱۲۸).

مطالعات پیشین

با مرور پژوهش های صورت گرفته، محقق دریافت که تحقیقات اندکی در زمینه نقش شبکه های اجتماعی در سرمایه روانشناختی کاربران به طور خاص صورت گرفته است. از جمله پژوهش هایی که مستقیما به بررسی نقش شبکه های اجتماعی در سرمایه روانشناختی پرداختند، پژوهش پانگ (۲۰۱۸) است. یانگ به بررسی اثرات مفید استفاده از سایت های شبکه های اجتماعی بر درک دانشجویان چینی از سرمایه اجتماعی و روانشناختی در آلمان پرداخت. یافته ها حاکی از آن است که پس از کنترل ویژگی های جمعیتی، استفاده اجتماعی از شبکه های اجتماعی با پیشرفت در رفاه کاربران همراه است. اگرچه استفاده از شبکه های اجتماعی در سرمایه اجتماعی موثر است اما در سرمایه روانی

موثر نیست. علاوه بر این، این مطالعه یک مکانیسم تأثیر غیرمستقیم مثبت را نشان می‌دهد که با استفاده از آن، استفاده اجتماعی از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی از طریق پیوند و حفظ سرمایه اجتماعی بر بهزیستی روانشناختی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، این نتایج تجربی پیامدهای مهمی را برای درک دقیق‌تر از نقش مهم رسانه‌های اجتماعی در ارتباط اجتماعی افراد متقاضی و همچنین کیفیت زندگی در بستر بین فرهنگی ارائه می‌دهد. همچنین سیمسک و سالی (۲۰۱۴)، به مطالعه نقش اعتیاد به اینترنت و عضویت در رسانه‌های اجتماعی بر سرمایه روانشناختی دانشجویان دانشگاه پرداختند. یکی از منابع درونی رضایت از زندگی و شادکامی تحت عنوان الگوی روانشناسی مثبت تعریف شده است. این پژوهش به صورت کمی تحقیق صورت گرفته است و نمونه تحقیق شامل ۲۰۹ نفر از دانشجویان در دانشگاه‌های متوسط در ترکیه بودند. نتایج نشان می‌دهد که اعتیاد به اینترنت و سرمایه روانشناختی با همبستگی منفی دارند. دانش‌آموزانی که وقت بیشتری را در اینترنت و رسانه‌های اجتماعی می‌گذرانند، مرد هستند و برای ارتباط روزانه از اینترنت استفاده می‌کنند، بیشتر احتمال دارد نمرات اعتیاد به اینترنت بالاتری داشته باشند. سرمایه روانشناختی را می‌توان با موفقیت تحصیلی، اعتیاد به اینترنت و وبلاگ داشتن پیش‌بینی کرد. اگرچه رسانه‌های اجتماعی با استفاده از زمان با سرمایه روانشناختی در تعامل نبودند، اما عضویت در رسانه‌های اجتماعی منجر به سرمایه روانی بالاتر و اعتیاد به اینترنت بالاتر شد. به خصوص، نمرات سرمایه روانشناختی دانش‌آموزانی که دارای حساب‌های لینکدین و یوتیوب بودند، بسیار قابل توجه بودند. نمرات اعتیاد به اینترنت همچنین دارای حساب‌های توییتر، یوتیوب، پینترست و لینکدین بودند. این نتیجه حاصل می‌شود که اعتیاد به اینترنت باعث کاهش سرمایه روانشناختی می‌شود. عضویت در رسانه‌های اجتماعی اعتیاد به اینترنت و سرمایه روانشناختی را افزایش می‌دهد. برخی پژوهش‌ها نیز صرفاً بر نقش اینترنت بر سرمایه روان شناختی پرداختند. از جمله؛ گنجی و توکلی (۱۳۹۷) که به بررسی رابطه بین سرمایه روانشناختی و تاب‌آوری تحصیلی با اعتیاد به اینترنت دانشجویان پرداختند. سرمایه روانشناختی به عنوان سازه‌های مهم روانشناختی مثبت در تبیین رفتارهای اعتیادی می‌توانند نقش داشته باشند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین سرمایه روانشناختی (خودکارآمدی، تاب‌آوری، مثبت‌اندیشی، امیدواری) و تاب‌آوری تحصیلی با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نتایج نشانگر اهمیت سرمایه روانشناختی و تاب‌آوری تحصیلی به عنوان سازه‌های روانشناسی مثبت در تبیین اعتیاد به اینترنت دانشجویان است و تلویحات مهمی در زمینه اقدامات لازم به منظور پیشگیری از اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دارد. همچنین رحمتی (۱۳۹۵) به مطالعه ارتباط سرمایه روانشناختی و معنویت با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، پرداخت. نتایج نشان داد، بین معنویت و سرمایه روانشناختی و مؤلفه‌های آن با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی معنی‌دار به دست آمد. یافته‌ها بر نیاز به برنامه‌ریزی برای تقویت پایه‌های اعتقادی و معنویت از طریق فراهم‌نمودن محیط‌های آموزشی دلگرم‌کننده و حمایتی که معنویت و روحیه مثبت‌نگری را در دانشجویان افزایش داده و باعث رشد سرمایه‌های روانشناختی در آن‌ها گردد، دلالت دارد.

روش پژوهش

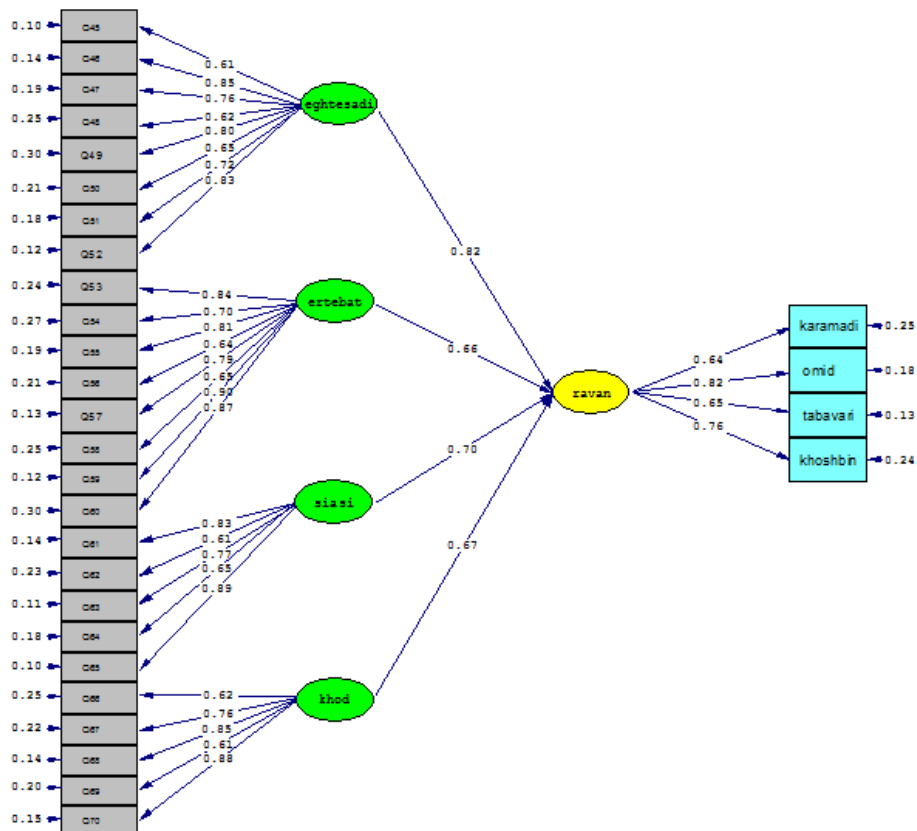
این تحقیق، از نوع تحقیقات کمی و از نظر هدف کاربردی است. همچنین استراتژی‌های تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی است. کاربران تلگرام در شهر تهران به عنوان جامعه آماری این تحقیق به حساب می‌آیند، با توجه به اینکه تعداد کاربران تلگرام در تهران نامشخص است لذا جامعه پژوهش، جامعه نامحدود است. همچنین در این تحقیق، برای بدست آوردن حجم نمونه (با توجه به جامعه نامحدود تحقیق) از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود استفاده شد که برابر با ۳۸۴ نفر به روش در دسترس روش نمونه گیری انتخاب شدند.

مبانی نظری این تحقیق که به کمک روش کتابخانه ای و با ابزار مقالات و کتاب ها و سایت ها و... بدست آمد. همچنین داده‌های مورد نیاز برای آزمون سوالات تحقیق نیز به کمک روش میدانی و با ابزار پرسشنامه بدست آمد. با توجه به این که در این تحقیق از تلفیق چند پرسشنامه استاندارد استفاده شده است؛ لذا محقق بعد از ترجمه آن ها، برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شده است؛ به این صورت که پرسشنامه به یازده صاحب نظر داده شد و از آنان در مورد هر سؤال و توانایی آن سؤال در خصوص ارزیابی هدف مربوطه نظرخواهی شد و با نظر آنان اصلاحات جزئی در پرسشنامه صورت گرفت و در نهایت روایی پرسشنامه توسط آنان مورد تأیید قرار گرفت. برای ارزیابی پایایی ابزار تحقیق، محقق ۳۰ پرسشنامه را در نمونه اولیه تحقیق توزیع و بعد از جمع آوری پاسخ ها و استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، با توجه به این که پایایی هر متغیر و همچنین پایایی کل پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ می‌باشد (مقدار مجاز) لذا می‌توان مدعی شد که پرسشنامه این تحقیق از پایایی کافی برخوردار می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش، محقق باید به کمک روش معادلات ساختاری به بررسی مدل پیشنهادی تحقیق بپردازد. اما ابتدا به کمک آزمون کلوموگراف-اسمیرنوف، نرمال بودن داده های حاصل از پرسشنامه را مورد بررسی قرار داده است چرا که این مساله یکی از شروط استفاده از نرم افزار مناسب در روش معادلات ساختاری می باشد. با توجه به نرمال بودن داده‌ها؛ لذا در این بخش محقق می تواند به کمک نرم افزار لیزرل (آزمون تحلیل مسیر) به آزمون فرضیات تحقیق بپردازد. اما قبل از آن محقق به کمک آزمون تحلیل عاملی تاییدی به بررسی هر یک از متغیرهای تحقیق پرداخت تا روایی سازه متغیرها را تایید شود. در واقع

هدف از انجام آزمون تحلیل عاملی تاییدی این مساله است که معلوم شود سوالات هر متغیر به خوبی متغیرهای خود را سنجیده اند (در دو حالت ضریب معناداری و تخمین استاندارد). در پایان محقق به کمک آزمون تحلیل مسیر به بررسی فرضیه های تحقیق پرداخت (در دو حالت ضریب معناداری و تخمین استاندارد).



شکل ۲- مدل تحقیق

در خصوص ۴ فرضیه اول تحقیق که ۴ مولفه کارکردهای شبکه های اجتماعی یعنی کارکرد اقتصادی، کارکرد سیاسی، کارکرد ارتباطی، کارکرد خوداظهاری در سرمایه روانشناختی کاربران تلگرام اثر معناداری دارد.

نتیجه گیری

در این بخش به مرور نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه، پرداخته می شود. با توجه به آزمون تحلیل مسیر معلوم شد که کارکرد اقتصادی شبکه های اجتماعی بر سرمایه روانشناختی کاربران تلگرام اثر معناداری دارد. به عبارت دیگر کارکرد اقتصادی شبکه های اجتماعی یعنی استفاده کاربران از تلگرام به منظور مبادلات اقتصادی، تبلیغ شغل، فضایی برای ایجاد کسب و کار، آگاهی از اخبار اقتصادی و ایجاد درآمد بر سرمایه روانشناختی شامل خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری و خوش بینی تاثیر گذار است. این مساله می تواند به این خاطر باشد که انجام فعالیت اقتصادی و کسب درآمد می تواند احساس مفید بودن و کارآمدی و امید را در فرد ایجاد کند از طرفی با توجه به وضعیت اقتصادی کشور و وضعیت اشتغال، کارآفرینی های مبتنی بر فضای مجازی امری حیاتی به نظر می رسد چرا که با کمترین سرمایه مادی قابل اجرا می باشد. افرادی که از این طریق به کسب درآمد می پردازند، در واقع توانمندی های خود را ثابت می کنند که این امر سرمایه روانشناختی آنان را چنانچه گفته شد ارتقا می دهد. همچنین پیشنهاد می شود با حمایت از کسب و کارهای خرد و کوچک در شبکه های اجتماعی و همچنین برگزاری همایش ها و میزگردهایی از برترین های این عرصه الگوبرداری نمایند. این امر کمک می کند تا کاربران با بهره گیری مفید از این عرصه کمتر درگیر آسیب های آن شوند.

همچنین معلوم شد که کارکرد سیاسی شبکه های اجتماعی بر سرمایه روانشناختی کاربران تلگرام اثر منفی معناداری دارد. به عبارت دیگر کارکرد سیاسی شبکه های اجتماعی یعنی اعلام موضع گیری های سیاسی در تلگرام، آگاهی از اخبار سیاسی در تلگرام و... بر سرمایه روانشناختی تاثیر گذار است. این مساله می تواند به این خاطر باشد که با توجه به برخورد قهری و منفعلانه نهادهای ذی ربط در کشور در زمینه شبکه های اجتماعی، قدرت عمل و ابتکار را از دست داده اند و به نوعی فضای سیاسی حاکم بر فضای مجازی دچار تشنگی و آلودگی شده است و از طرفی به سبب وجود خط قرمزهای فراوان مسائل سیاسی در کشور و بیان آزادانه مسائل از رسانه ها و منابع مخالف، افراد بیشتر در معرض اخبار ناامید کننده و دلسرد کننده قرار گرفته اند. مجموعه این عوامل به کاربران احساس بی قدرتی، نومیدی و ناتوانی در قبال این حجم از اخبار منفی سیاسی را انتقال می دهد که در نهایت به سرمایه روانشناختی افراد آسیب می رساند. لذا به

نظر می‌رسد سیاستگذاران این عرصه باید با تشکیل اتاق فکر و استفاده از متخصصان به تولید محتوای سیاسی معقول و به دور از سیاه‌نمایی و یا نقطه‌مقابل آن یعنی بی‌توجهی به مسائل روز، بپردازند.

در ادامه نیز با توجه به آزمون تحلیل مسیر معلوم شد که کارکرد ارتباط شبکه‌های اجتماعی بر سرمایه‌روانشناختی کاربران تلگرام اثر معناداری دارد. به عبارت دیگر کارکرد ارتباط شبکه‌های اجتماعی یعنی برقراری ارتباط با دوستان، تداوم رابطه، تبادل نظر، یافتن دوستان جدید، آشنایی با دیدگاه‌های تازه و گسترش شبکه روابط بر سرمایه‌روانشناختی گذار است. این مساله می‌تواند به این خاطر باشد که انسان در روابط و تعامل با دیگران معنا و مفهوم زندگی اجتماعی خود را می‌سازد و همه چیز در ارتباط با دیگران برای وی شکل می‌گیرد چرا که انسان در انزوا از همه مفاهیم انسانی خویش دور می‌شود. در نتیجه با شکل‌گیری روابط و استحکام آن چه در فضای آنلاین و چه افلاین فرد خود را معنا می‌کند و هرچه روابطش از کیفیت و کمیت بهتری برخوردار باشد توان بیشتری برای مدیریت احساسات خود دارد، در زمان مقتضی از شبکه روابط خویش استفاده می‌کند و مسائل زندگی خود را حل می‌کند از طرفی ارتباط با دوستان و آشنایان توان مقابله با ناملايمات زندگی را در وی کم می‌کند چرا که حمایت و پشتیبانی لازم را دریافت می‌کند لذا سرمایه‌روانشناختی بهتری را تجربه می‌کند. سیاست‌گذاران این عرصه باید با شناخت اهم ارتباطات شبکه‌های موثر در سرمایه‌روانشناختی سعی در ارتقای این ابعاد در افراد آسیب‌پذیر نمایند.

در نهایت معلوم شد که کارکرد خوداظهاری شبکه‌های اجتماعی بر سرمایه‌روانشناختی کاربران تلگرام اثر معناداری دارد. به عبارت دیگر کارکرد خود اظهاری شبکه‌های اجتماعی یعنی بیان هویت و چگونگی ارائه خود در شبکه‌های اجتماعی بر سرمایه‌روانشناختی شامل خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی تاثیر گذار است. این مساله می‌تواند به این خاطر باشد که افراد در بیان هویت خویش در شبکه‌های اجتماعی محدودیت‌های کمتری دارند که این موجب می‌شود بیانشان به خود واقعیشان نزدیک‌تر باشد. لذا احساس رضایت خاطر بیشتری دارند. از اینرو کمتر با عقده‌ها و تعارض‌های هویتی روبرو می‌شوند و بهتر می‌توانند فکر کنند و تصمیم بگیرند چرا که خود را بهتر می‌شناسند و مدیریت بهتری بر عمل و خواسته‌های خود دارند. در این زمینه می‌توان با فرهنگ‌سازی درست و سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای، احترام به حریم شخصی افراد و پرهیز از قضاوت‌های نادرست را در کاربران ایجاد نمود.

منابع

- آذری، غلامرضا؛ امیدوار، تابان. (۱۳۹۱)، «بررسی نقش شبکه های اجتماعی مجازی بر سرمایه اجتماعی»، فرهنگ ارتباطات، دوره ۲، شماره ۶، صص ۲۰۹-۱۸۱.
- دانایی فرد، همکاران، ۱۳۸۷
- رحمتی، صمد. (۱۳۹۵). «ارتباط سرمایه روانشناختی و معنویت با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز». **اخلاق پزشکی**، ۱۰(۳۸)، صص ۷-۱۷.
- شاوردی، تهمنه. (۱۳۹۶). «سرمایه اجتماعی در شبکه های اجتماعی واقعی و مجازی (مورد مطالعه: دختران دانشجوی دانشگاه های شهر تهران)»، توسعه اجتماعی، ۱۱(۳)، ۶۷-۹۶.
- عباسی، حسن؛ شریعت، جهانگیر. (۱۳۹۷). «کارکرد سیاسی شبکه های اجتماعی مجازی»، امنیت ملی، ۸(۳۰)، صص ۱۲۷-۱۵۰.
- علیزاده ثانی، محسن؛ حسینی، ابوالحسن؛ تبسمی، امیر. (۱۳۹۷). «تأثیر امکانات رفاهی بر سرمایه روانشناختی مثبت»، مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، ۲۷(۸۷)، صص ۲۹-۴۴.
- کریمیان، کبری؛ پارسامهر، مهربان؛ افشانی، سید علیرضا. (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر گرایش به شبکه های اجتماعی مجازی؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر شهرکرد»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۵(۸)، صص ۲۰۹-۲۳۷.
- گنجی، بی نظیر؛ توکلی، سمیرا. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه بین سرمایه روانشناختی و تاب آوری تحصیلی با اعتیاد به اینترنت دانشجویان». دوماهنامه علمی- پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۱(۱)، صص ۱۰۷-۱۰۲.
- محمدپور، سارا؛ تاجیک، فاطمه. (۱۳۹۳). «بررسی مقایسه ای کارکردهای ارتباطی و اقتصادی شبکه های اجتماعی فیس بوک و کلوب»، مطالعات رسانه ای، ۹(۲۵)، صص ۵۱-۶۲.
- محمدیان، بهزاد؛ شعله، مهدی؛ بابائیان مهابادی، سمیه. (۱۳۹۳). «تأثیر خودافشایی در شبکه های اجتماعی بر توسعه سرمایه اجتماعی (بررسی نقش سرمایه معنوی)». مجله علم مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱(۲)، صص ۲۲۵-۲۴۵.
- نریمانی، محمد؛ شاه محمدزاده، یحیی؛ امیدوار، عظیم؛ امیدوار، خسرو. (۱۳۹۳). «مقایسه ی سرمایه روان شناختی و سبک های عاطفی در بین دانش آموزان پسر با و بدون ناتوانی یادگیری». ناتوانی های یادگیری، ۴(۱)، صص ۱۰۰-۱۱۸.

هابرماس، یورگن. (۲۰۰۴). «دگرگونی ساختاری حوزه ی عمومی»، ترجمه جلال محمدی، تهران: افکار.

- Avey JB, Reichard RJ, Luthans F, Mhatre KH. (2011). Meta-analysis of the impact of positive psychological capital on employee attitudes, behaviors, and performance. *Human resource development quarterly*, 22(2): 127-52.
- Baily TC, Snyder CR. (2007). Satisfaction with and hope: a look at age and marital status, *Psychol Rec*; 57(2):233-240.
- Grottke, M., Hacker, J., Durst, C. (2018), Which Factors Determine Our Online Social Capital? An Analysis Based on Structural Equation Modeling, *Australasian Journal of Information Systems*, Vol22, pp 1-36.
- Luthans F, Avey JB, Avolio BJ, Petera JL. (2008). Experimental Analysis of a Web Based Training Intervention to Develop Positive Psychological Capital. *Academy of Management. Learning & Education*; 7(2): 209-21.
- Luthans, F.(2002). The need for and meaning of positive organizational behavior. *Journal of organization behavior*,3,695-706.
- Luthans, F; Avolio, B. J; Avey, J. B & Norman, S. M. (2007). Positive Psychological Capital: Measurement and Relationship with Performance and Satisfaction, *Personnel Psychology*, 60, 541–572.
- Pang, H. (2018)._Exploring the beneficial effects of social networking site use on Chinese students' perceptions of social capital and psychological well-being in Germany, *International Journal of Intercultural Relations*, Vol 67, pp 1-11.
- Shen, K.N., Khalifa, M. (2010). A Research Framework on Social Networking Sites Usage: Critical Review and Theoretical Extension, , pp. 173–181
- Simsek, E., Sali, J.B. (2014). The Role of Internet Addiction and Social Media Membership on University Students' Psychological Capital, *Contemporary Educational Technology*, 5(3), 239-256.